

پنجره‌ای گشوده به دنیای کودکان

گزارشی اجمالی از دو کارگاه بازی برگزار شده برای مربیان پیش دبستان

من می‌گویم: بله، می‌شود، تا شانزده سالگی مسیر یادگیری را می‌توان با بازی پیش برد.»

بعد از پرداختن به مفاهیم مرتبط با بازی، ایشان فرایندهای رشد در بازی و انواع بازی‌ها را برشمرد و به بازی سرخوشانه، بازی‌های دوره کودکی در کوچه‌ها و مهارت‌های حرکتی و ذهنی نهفته در این بازی‌ها اشاره کرد. یادآوری این بازی‌ها لبخند به لب فراگیرندگان آورد. دکتر قیدر گفت: «ما این افتخار را داریم که آخرین نسلی باشیم که بازی‌های کوچه را تجربه کرده است. یکی از ساعت‌هایی که از دوران مدرسه به یادها مانده است، ساعت ورزش است؛ ولی کلاس دیکته و ریاضی را یادمان نمی‌آید. چرا؟ چون معلم‌های ما فقط معلم بودند؛ اما الان معلم نقش تسهیل‌کننده در یادگیری را دارد و آموزش دهنده صرف نیست. وظیفه معلم در عصر پسانوگرایی (پست مدرن) و عصر ورود به فناوری فقط تسهیل در یادگیری است، نه ورود مستقیم به آموزش. اگر فکر کنی وظیفه‌ات این است که بروی سر کلاس و آموزش بدی، بچه‌ها را از دست می‌دهی.» این سخنان مقدمه‌ای بود بر بخش بعدی کارگاه که فعالیت‌هایی بازی‌محور داشت.

در بخش دوم کارگاه، تمرین‌هایی عملی انجام شد. فراگیرندگان کودک بودند و خانم قیدر تسهیل‌کننده یادگیری. بازی‌های این بخش از جنس بازی‌های ریتمیک، حرکتی، دست‌ورزی و ترکیبی بود. هر کدام از این بازی‌ها پیامی برای مربیان داشت.

بازی‌های ریتمیک: اولین فعالیت و اولین پیام مهم با ریتم «دوتا رو پا، دوتا بشکن، دست دست دست، دست دست دست» و شعری ساده همراه بود. در اینجا همه مربیان با دقت و وسواس به حرکات دست مدرس خود نگاه می‌کردند تا خوب یاد بگیرند؛ چون باید آنچه را انجام شده بود،

دکتر قیدر در ذهن فراگیرندگان گشود. وی سپس گفت: «در کار با کودک مهم است به واژگان برگردیم و آن‌ها را واکاوی کنیم. اینجا هدف ارائه تعریف‌های علمی نیست. بازی فعالیتی است که هیچ محدودیتی در آن وجود ندارد. دنیای بازی‌ها مرز و حدی هم ندارد. همین الان به فراخور استفاده از بازی می‌توانیم به آینده یا گذشته سفر کنیم. بازی تمرین طبیعی زندگی کردن است. شاه‌کلید ورود به دنیای هیجان‌انگیز و سحرآمیز بچه‌هاست. من این جمله را به هر مربی یا والدی می‌گویم که اگر بخواهید به هر آدمی نزدیک شوید، باید راهش را پیدا کنید. دور هر انسان درهای زیادی وجود دارد که باید کلیدش را پیدا کرد. کلید ورود به دنیای کودکان بازی است. با بازی به کودکان نزدیک می‌شوید. در دنیای بازی‌ها هر اتفاقی ممکن است و به این ترتیب سخت‌ترین بچه‌ها با شما همراه خواهند شد؛ اما بدانید این کلید با هیاهو و جیغ و داد قفلی را باز نخواهد کرد. این طوری بچه‌ها کنار می‌کشند. بچه‌ها عروسک‌های مینیاتوری نیستند، آن‌ها هم مثل ما انسان هستند و موجودیت و حقوقی مشابه بزرگسالان دارند.»

مرجان قیدر در توضیح اینکه هدف از انجام بازی‌ها چیست، گفت: «هیچ دلیلی بالاتر از کسب لذت برای بازی کردن نیست. ممکن است هدف‌های فرعی متعددی وجود داشته باشد؛ اما هدف اصلی کسب لذت است. مگر می‌شود در جایی حس سرخوشی داشته باشیم؛ اما یاد نگیریم. ممکن است فکر کنید این‌ها شعار است، کلیشه است و مگر می‌شود با سی بچه این کارها را کرد؟!

مجتمع آموزشی حضرت جوادالائمه (ع) هر ساله کارگاه‌های متعددی برای توانمندسازی معلمان خود برگزار می‌کند؛ اما طی سال‌های اخیر کمتر کارگاهی به‌طور مستقل برای مربیان پیش دبستانی این مجموعه برگزار شده بود. تا اینکه در سال تحصیلی گذشته، مربیان داوطلب کارگاهی را با عنوان «کارگاه بازی» تجربه کردند. این مربیان در قالب دو گروه، یکی در تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۳ و دیگری در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۴۰۴، عازم تهران شدند. هدایت این کارگاه‌ها را «مرجان قیدر» بر عهده داشت. وی دکترای مدیریت آموزشی دارد و مدرس دانشگاه و رئیس انجمن بازی و ورزش استان تهران است. به تعبیر دکتر قیدر، هدف از برگزاری این کارگاه بازنندگی در زبان اصلی کودکان، یعنی بازی، بود. به این ترتیب ایشان اندوخته تجربه و اندیشه‌اش را گشود و مربیان شرکت‌کننده در کارگاه هر کدام از منظر خودشان توشه‌ای برگرفتند و به شهر و کلاس خود بازگشتند. تا به قول خواجه حافظ شیرازی، «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید!»

این کارگاه که از ۸ صبح تا ۱۶ بعدازظهر ادامه داشت، دو بخش مشخص داشت: بخش ابتدایی کارگاه به گفت‌وگو درباره مفاهیم پایه بازی پرداخته و بخش دوم صرف فعالیت‌های بازی‌محور شد.

دکتر قیدر رئیس انجمن بازی و ورزش استان تهران پس از اینکه آهسته‌آهسته ذهن فراگیرندگان را برای بازنگری در تعریف بازی آماده ساخت، از ایشان پرسید: «بازی یعنی چه؟» این اولین پرسش پنجره‌ای بود به دنیای بازی که

به طور دقیق تکرار می‌کردند. بعد از اجرای این بازی، از حاضران کارگاه خواسته شد نظرشان را در مورد آن بگویند. این بازی در بیشتر آن‌ها استرس ایجاد کرده بود. به این ترتیب خانم دکتر قیدر با لبخند

گفت: «در این بازی احساس کردید مورد اتهام قرار گرفتید. حس خوبی به هیچ کس دست نداد. شاید خندیدیم؛ اما استرس داشتیم. این نوع بازی‌ها برای شروع کلاس به شدت بد است. اگر کلاس را این‌گونه اداره کنید، جز ناراحتی و غم درونی برای بچه‌ها چیزی نخواهد داشت. این کودک تا می‌رود خانه، مدام

در حال سرزنش خود است که چرا نتوانسته ریتم را درست اجرا کند یا مقایسه می‌کند چرا من نتوانستم مثل دوستم این ریتم را درست اجرا کنم و شب که می‌خوابد، با این احساس سر بر بالین می‌گذارد. مگر قصد ما



جز ایجاد سرخوشی چیز دیگری است. وقتی حال کلاستان بد است جای بازی ریتمیک همان جاست؛ اما باید بدانید هر بازی را برای چه سنی و در چه بازه زمانی از سال تحصیلی اجرا کنید.»

او در ستایش زبان اصلی کودکی گفت: «ما در دنیای بازی‌ها به گذشته و آینده سفر می‌کنیم. بازی‌ها محدودیت زمانی و مکانی ندارند. من در دنیای بازی‌ها می‌توانم به هر چیزی تبدیل شوم. بازی جایگاه همه چی شو است. چه فعالیتی داریم که این قدر گسترده باشد.»

خانم قیدر با توجه به تجربه‌های خوبی که طی پانزده سال سابقه کار با کودک دست یافته است، ظرایفی از هنر معلمی را با حاضران در میان گذاشت، از جمله اینکه: «وقتی بچه‌ها را گروه بندی می‌کنید، به این توجه می‌کنید که کدام بچه رهبر است. شما همه رهبرها را در یک گروه نمی‌گذارید. هر بچه را بر اساس شخصیتش در گروه‌ها قرار می‌دهیم. این می‌شود تسهیل در یادگیری.

سوگلی‌ها را در کلاس یادتان می‌آید؟ اگر در کلاست سوگولی داری، مربی خوبی نیستی. من مربی به سبب اساس آدمیزادی‌ام ممکن است یک نفر را نسبت از بقیه شاگردانم بیشتر دوست داشته باشم؛ ولی مربی‌ای

مربی است که بتواند وارد کلاس شود و روی چنین احساساتی سرپوش بگذارد؛ چون بچه‌ها به خوبی متوجه می‌شوند. حتی نگاهتان را در کلاس باید تقسیم کنید. در کلاس، شما تنها پناه بچه‌ها هستید. شما

دنیای آن‌ها هستید. عاشق کارت باش. اگر عاشق نباشی، کم می‌آوری. بچه‌ها بر اساس غریزه‌شان عمل می‌کنند و بر اساس همین غریزه به خوبی شما را می‌بینند و می‌فهمند. اگر بفهمند برای پول کار می‌کنید، دیگر دوستان نخواهند داشت. وقتی بچه‌ای می‌گوید دستم خسته شده است، فکر نکنید حرفش از سر تنبلی است. این بچه واقعاً

خسته شده و دستش درد گرفته است؛ پس به او بپردازید. مشکل ما این است که بچه‌ها را نمی‌شنویم. برای همه ما پیش می‌آید که صحبت کودکی را نشنویم؛ اما باید تلاشمان این باشد که آن‌ها را بشنویم. به خواسته بچه‌ها و حرف‌هایشان توجه کنید.»

بازی‌های دست‌ورزی: دست‌ورزی بازی‌ای است که انگشتان دست را تقویت می‌کند. اولین وظیفه والدین و مربیان در سنین



پایین این است که دست غالب را تثبیت و دست غیرغالب را تقویت کنند. به این نکته توجه داشته باشید که در سنین پایین تثبیت مغزی اتفاق بیفتد. نهادینه کردن دست غالب نباید با اجبار همراه باشد. قبل از رفتن به پیش دبستانی باید این مهارت‌ها تثبیت شود.»

خانم دکتر مرجان قیدر با کاغذی مچاله و چسب کاغذی و ماژیک نحوه ساخت عروسک فنی ساده‌ای را آموخت و گفت: «با

این بازی هم دست‌ورزی می‌کنید و هم می‌توانید در مورد موضوعاتی مثل اعضای چهره صحبت کنید.»

سپس مدرس کارگاه به مربیان وسایلی را نشان داد که مهارت دست‌ورزی را با یادگیری و بازی تلفیق می‌کرد. وسایلی که برخی از آن‌ها اگرچه به صورت پیش ساخته در بازار موجود بود، اما او و گروهش این وسایل را به ذوق و دانش خود آن‌گونه که می‌خواستند، تغییر داده و وسیله‌ای جدید خلق کرده بودند.

بچه‌ها عروسک‌های مینیاتوری نیستند، آن‌ها هم مثل ما انسان هستند و حقوقی مشابه بزرگسالان دارند

قیدر که چون همان ساعت‌های اولیه با انرژی بود، چند فعالیت متنوع با مربیان انجام داد و تأکید کرد: «تمام وسایل دست‌ورزی را می‌توان به راحتی و با کمترین هزینه ساخت. این وسایل را که ابزار مربی هستند، طوری می‌سازیم که چند کاربرد داشته باشد و چند بار بتوان با همان وسیله چند بازی متفاوت انجام داد. همچنین برای طراحی ابزار بازی ما باید آگاهی از بدن، آگاهی از فضا و آگاهی ارتباطی را در نظر بگیریم.»

مرجان قیدر با تعدادی مکعب چند بازی با مشارکت فراگیرندگان انجام داد و از آن‌ها به تکرار خواست که خلاق باشند. وی گفت: «هیچ شکایتی از هیچ مربی‌ای در مورد نداشتن امکانات و وسایل پذیرفتنی نیست. خودتان خلاق باشید. از امکانات خود غافل نباشید. شما در مجموعه خود فضای بهتر و وسیع‌تری دارید. با افتخار به خودت مربی باش. ذهن مربی باید برنده باشد. بازی زبان بین‌المللی است. همین که دست‌هایتان کار کند بدون آنکه حرف بزنم، در هر کجای دنیا برای همه قابل فهم است. می‌توانید با کل دنیا ارتباط بگیرید.»

بازی‌های حرکتی: آخرین بخش از بازی‌ها دسته بازی‌های حرکتی بود. برای بازی‌های حرکتی، مثلاً بازی‌هایی با توپ، مهارت‌هایی مثل دویدن، پریدن، لی‌لی رفتن و مهارت‌های مربوط به دست مثل انداختن توپ به روش‌های گوناگون و تعادل و استواری نیاز است.



کارگاه در ساعت ۱۷ به پایان رسید؛ اما قرار بر این شد که این کارگاه مقدمه‌ای باشد بر بازاندیشی و تفکر درباره آنچه مربیان در کلاس خود انجام می‌دهند. آنچه خواندید، فقط منعکس‌کننده بخش کوچکی بود

از کارگاهی که یادگیری بی‌وقفه در آن جریان داشت. مشروح دو کارگاه را می‌توانید، از طریق این رمزین، در وبگاه پاپولو بخوانید. □

اگر در کلاست سوگولی داری، مربی خوبی نیستی





سلام خداوند عالم و خدای
گواهی بر کعبه شریفه
با احترام
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان



سلام خدا
سلام داد
ساز خردم از حضور دین کارگاه بسیار عالی
و کامیابی
حضور دین کارگاه نعمتند محترم
توفیق آشنایی به یک بازی قابل لمس و
قابل استفاده بود
و ذهن من را باز و جان من را ساد

سلام خداوند جان من
حلم سخن بزرگوار
با سلام در این وقت
ساز خردم از حضور دین کارگاه بسیار عالی
و کامیابی
حضور دین کارگاه نعمتند محترم
توفیق آشنایی به یک بازی قابل لمس و
قابل استفاده بود
و ذهن من را باز و جان من را ساد



دوره بسیار
سپاس از کارگاه سیرت و اخلاق، خنده و شادمانی
قدست
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان

دوره بسیار
سپاس از کارگاه سیرت و اخلاق، خنده و شادمانی
قدست
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان



با سلام و احترام
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان



سلام خداوند بزرگوار
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان

با سلام و احترام
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان

با سلام و احترام
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان



با سلام و احترام
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان

با سلام و احترام
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان

با سلام و احترام
ممنونم که دست اندر کاران بزرگوار
کارگاه امیدم توانستند منظور شایسته
هر آنچه که گفتم مرا احراز دادند
کارگاه بسیار خوب و آموخته بود
کرار تمند خندان

